

مجموعه‌های تلویزیونی و مقوله‌ای به نام لوکیشن

جایی برای دیده شدن...

یک مجموعه تلویزیونی برای آن که به اثری ماندگار و پرمخاطب تبدیل نشود، نیاز به فاکتورهای مختلفی دارد که هر یک به سهم خود در این امر دخیل هستند. انتخاب لوکیشن یا همان محل فیلمبرداری یکی از آنهاست که از ارزش و اهمیت خاصی برخوردار بوده، اما خیلی کمتر از سایر عوامل به چشم آمده و مورد توجه مخاطبان قرار نمی‌گیرد، چرا که لوکیشن از دل فیلمنامه آمده و به نوعی در آن حل می‌شود. در عین حال خود لوکیشن نیز می‌تواند به لحاظ دراماتیک در پیشبرد داستان نقش داشته و گاه خود به یک شخصیت مبدل شود. برای نمونه هم می‌توان به فضای زندان و بازداشتگاه در فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی اشاره کرد که بسته به توان نویسنده فیلمنامه می‌تواند به یک شخصیت تبدیل شده یا صرفاً به جایی برای گذشتن قصه مبدل شود. حال به همین بهانه نگاهی به مقوله لوکیشن در مجموعه‌های تلویزیونی چهار دهه پس از پیروزی انقلاب می‌اندازیم.

محمد جلیلود

سریال‌های تاریخی و اهمیت فوق‌العاده لوکیشن

یکی از دغدغه‌های بزرگ کارگردان‌های آثار تاریخی - از قرن نخست هجری قمری گرفته تا تاریخ معاصر - عنصری به نام لوکیشن است که باید در انتخاب آن دقت و وسواس زیادی به خرج داده شود. بخش عمده‌ای از سریال‌های تاریخی در شهرک سینمایی غزالی که ابتدا برای سریال هزارستان توسط ولی... خاکدان و گروهش تدارک دیده شد، ساخته شده و گروه طراح صحنه و دکور با توجه به فضای نسبتاً وسیع شهرک یادشده به ساخت و ساز در آن می‌پردازند. داوود میرباقری به عنوان یکی از مهم‌ترین کارگردان‌های آثار تاریخی، بخش‌های مختلف سریال‌های امام علی (ع) و مختارنامه را در جاهای مختلفی ساخته و تجربه کار در شهرک‌های سینمایی را هم دارد.

در سریال امام علی (ع)، بخش‌های مربوط به جنگ‌ها را در مکان‌هایی اطراف بندرعباس فیلمبرداری کرده و تلاش زیادی برای نزدیک شدن به فضای واقعی آن زمان به خرج داده که تا حدود زیادی هم در این امر موفق بوده است. بخش‌های داخلی را هم در دکورهای فیلمبرداری کرده که بسیار خوب و باورپذیر طراحی شده و گاه در ساخت آن نیز مصالح واقعی به کار رفته است. وی در مختارنامه که به لحاظ تولید هم کاری بسیار سخت و طاقت‌فرسا بود، دکورهای عظیمی در منطقه احمدآباد مستوفی ساخته و بخش مهمی از کار را در آنجا فیلمبرداری کرده است. برای مثال هم می‌توان به شهر کوفه اشاره کرد که تماماً در این منطقه ساخته شده و در ساخت آن نیز از مصالح واقعی استفاده شده است. این کار علاوه بر زیبایی و باورپذیری در چشم مخاطب، دلیل مهم دیگری هم داشته و آن هم سالم ماندن دکورها در طول سال‌های تولید این مجموعه عظیم تلویزیونی بوده است. از نمونه‌های درخشان طراحی دکور مختارنامه می‌توان به کاخ حاکم کوفه اشاره کرد که معماری چشم‌نوازی داشته و به عنوان یک کاخ متعلق به حکومت یزید به باور مخاطبان خویش می‌نشیند.

میرباقری برای سکانس‌های مربوط به کربلا و روز عاشورا سراغ منطقه‌ای در شاهرود - که زادگاهش نیز به حساب می‌آید - رفته و فضایی را طراحی کرده که با



فرج... سلحشور از دیگر آثار موفق تلویزیونی است که طراحی دکور نقش مهمی در بهتر دیده شدن آن داشته است. از خانه‌ها و کاخ پادشاه مصر گرفته تا فضای شهر که تماماً در شهرک سینمایی ساخته شده و برای مخاطب هم قانع‌کننده به نظر می‌رسد. حسن فتحی یکی دیگر از کارگردان‌های موفق تلویزیون به حساب می‌آید که آثار تاریخی زیادی در کارنامه دارد.

از میان آنها می‌توان به پهلوانان نمی‌میرند، شب دهم و مدار صفر درجه اشاره کرد. در اولی که در دوره قاجار می‌گذرد، شاهد داستانی جذاب و معمایی هستیم که طی آن پهلوان‌های خوشنام شهر به شکلی رموز کشته شده و پای سفارت انگلیس و روسیه هم به ماجرا باز می‌شود. فتحی لوکیشن‌های مورد نیاز خود را در شهرک سینمایی با استفاده از مستندات تاریخی ساخته و در این مسیر هم موفق نشان داده است. بخش مهمی از کار هم در محله‌های قدیمی می‌گذرد که معماری خاص خود را داشته و نقش مهمی در بافت دراماتیک داستان دارد. کاری که فتحی در شب دهم نیز انجام داده و در فضا سازی بسیار موفق بوده است. با این تفاوت که پهلوانان نمی‌میرند در واپسین سال‌های دوره قاجار بوده و شب دهم در سال‌های اولیه سلطنت رضا خان می‌گذرد. برگزاری ده شب مراسم تعزیه آن هم شبانه و مخفیانه، دست فتحی را در انتخاب لوکیشن‌ها باز گذاشته و از این طریق تنوع مناسبی بر آن حاکم کرده است. مدار صفر درجه یکی از قله‌های طراحی صحنه و دکور در تاریخ مجموعه‌های تلویزیونی ایران است که در اینجا به بخش‌های مربوط به ایران آن نگاهی می‌اندازیم. فتحی

تصور ذهنی مخاطب از کربلا تفاوت چندانی ندارد. همین انتخاب درست لوکیشن و طراحی صحنه درخشان منجر به خلق سکانس‌هایی شده که در تاریخ سریال‌سازی تلویزیون نظیر نداشته و در دل تاریخ ماندگار خواهد شد. این کارگردان توانای تلویزیون کشورمان در نخستین سریال خود (گرگ‌ها) نیز تجربه کار در دکور را داشته که البته در بازپخش‌هایش ضعف‌های آن از این لحاظ بیشتر خود را نشان داده، چرا که غبار زمان روی آن نشسته است. زنده‌یاد علی حاتمی در سریال هزارستان دست به کار بزرگی زده و شهرک سینمایی غزالی را برای ساخت این مجموعه جذاب تلویزیونی بنا نهاد. کاری که چند سال به طول انجامیده اما در نهایت به نفع سینما و تلویزیون کشور تمام شد. او در بخش‌های مربوط به جوانی رضا تفنگچی که بازسازی تهران پیش از دوره پهلوی پرداخته و تصویری شفاف و نزدیک به واقعیت از آن ارائه کرده است. همچنین به فضای شهر و بازار نگاه کنید که فقر و محنت‌زدگی در آن موج می‌زند. همین‌طور خانه قدیمی می‌فروش محله که رضا تفنگچی شب‌ها در آنجا اطراق می‌کند و یکی از مهم‌ترین سکانس‌های کار (کشته شدن سرده‌لایه‌ها به دست شعبون) نیز در آنجا رخ می‌دهد. در بخش‌های مربوط به تهران اشغال شده به دست متفقین در ابتدای دهه ۲۰، حاتمی و ولی... خاکدان برگ برنده خود را رو کرده و لاله‌زاری را ساخته‌اند که شباهت فوق‌العاده‌ای با واقعیت دارد. از گراند هتل و سینما مایاک گرفته تا جواهر فروش قازاریان و... که نقشی کلیدی در ساختن فضای کار دارند.

مجموعه تلویزیونی یوسف پیامبر ساخته زنده‌یاد

در سکانس‌های خارجی از شهرک سینمایی یادگار علی حاتمی که در سبک کارگردانی و فیلمنامه نویسی هم از او تبعیت می‌کند، استفاده کرده و بخش‌هایی از تهران اواخر دهه نخست قرن سیزدهم هجری شمسی را به تصویر کشیده است. خانه حبیب پارسا و خانواده‌اش نیز با توجه به تمکن مالی خانواده‌اش، باورپذیر به نظر می‌رسد. خانه‌ای بزرگ و قدیمی با معماری خاص آن دوران که اصالت و فرهنگ در آن موج می‌زند.

درست برخلاف خانه داماد این خانواده که نوکیسه بودن و تازه به دوران رسیدگی در آن کاملاً به چشم خورده و مخاطب آن را با همه وجودش احساس می‌کند. در حقیقت فتحی، با انتخاب درست و هوشمندانه لوکیشن‌ها، کمک زیادی در پرداخت شخصیت‌ها کرده و لایه‌هایی به آنها اضافه کرده است. در عین حال باید به فضای مخوف زندان پس از بازگشت حبیب پارسا از فرانسه و گرفتار شدنش توسط حکومت وقت اشاره کرد که تطابق زیادی با تنها ساختمان زندان باقی مانده از زمان رضاشاه که امروزه به شکل موزه درآمده، دارد. مجموعه تلویزیونی در چشم باد ساخته مسعود جعفری جوزانی یکی دیگر از نمونه‌های قابل اعتنا در این باب است که با توجه به این که ۶۰ سال تاریخ معاصر ایران در آن به تصویر کشیده شده، به لحاظ تعدد لوکیشن بسیار غنی به نظر می‌رسد. از دکورهای شهرک سینمایی گرفته تا ساخت دروازه قزوین که ظرافت بسیاری در آن به کار رفته است. همین‌طور سکانس‌های حرکت کالسکه حامل خانواده ایرانی در جاده‌ای برفی و یخ‌زده که غنای تصویری فوق‌العاده‌ای داشته و مخاطب را در بیم و امید نسبت به فرجام این خانواده قرار می‌دهد. سریال بانوی عمارت به کارگردانی عزیزا... حمیدنژاد که این روزها در حال پخش از شبکه سه سیماس، یکی دیگر از نمونه‌های درخشان و استاندارد استفاده از لوکیشن به‌عنوان عنصری کلیدی است. کل لوکیشن‌ها هم در منطقه احمدآباد مستوفی بوده و گروه صحنه و دکور تلاش زیادی برای خلق فضای سال‌های پایانی دوره قاجار کرده‌اند که در این مسیر هم موفق نشان داده‌اند.

سریال‌های امروزی و لوکیشنی به نام خانه

پس از سریال‌های تاریخی که جایگاه ویژه‌ای در تلویزیون ایران پس از انقلاب دارند، به مجموعه‌های تلویزیونی معاصر و امروزی می‌رسیم که قصه‌های خود را در دل همین جامعه روایت می‌کنند. یکی از آنها سریال پدرسالار به کارگردانی زنده‌یاد اکبر خواجویی است که شخصیت مرکزی آن (اسدا... واعظیان) مردی میانسال وابسته به سنت‌هاست که می‌خواهد پسرانش پس از ازدواج هم در خانه قدیمی خود او ساکن شوند. پس چنین داستانی نیاز به خانه‌ای خاص شبیه به صاحبش دارد. خواجویی هم خانه‌ای قدیمی در قلب تهران قدیم (محله سرچشمه) را به عنوان لوکیشن اصلی کار برگزیده که تمامی خصوصیات خانه‌های قدیمی را در خود دارد. حیاطی بزرگ و دلباز با اتاق‌های زیاد و مهمانخانه‌ای وسیع که کاملاً با خانواده پرجمعیت پدرسالار جور درمی‌آید. به شکلی که خانه یادشده شخصیت پیدا کرده و در بافت داستان کاملاً جا افتاده است. برای مثال به عصبانیت شدید اسدا... پس از نیامدن فرزندان‌ش به مهمانی آشتی‌کنان که به شکستن بشقاب‌های سر سفره ختم می‌شود نگاه کنید که تا چه اندازه بزرگ بودن پذیرایی خانه در جلوه بیشتر